

# معرفی و تدریس گنجینه واژگان آکادمیک

موسی نوشی

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی

Email: M-Nushi@sbu.ac.ir

صالح طباطبایی

کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی

Email: saleh.tabatabai@yandex.com

## Abstract

Academic vocabulary is an essential part of academic language and a strong predictor of academic success; therefore, knowledge of what academic vocabulary is and how it should be taught is an important aspect of second language teachers' pedagogical competence. This paper introduces what academic vocabulary is, how it is distinct from general vocabulary, and what role it plays in academic achievement. It also introduces techniques that can be used to teach such vocabulary to learners of intermediate and upper intermediate language proficiency. The techniques that have been suggested in this paper are aimed at engaging learners' cognitive abilities in the process of learning academic vocabulary. The paper argues that technology should be an integral component of academic vocabulary instruction and suggests several online tools that learners can use to increase and enhance their academic vocabulary. Finally, four English academic vocabulary word lists and how they have been developed will be discussed in the hope that Persian language researchers and teachers would be encouraged to devise such lists for university level students.

**Key Words :** academic vocabulary, second language, techniques of vocabulary instruction, technology, word lists

## چکیده

واژگان آکادمیک جزء ناگزیری از زبان علمی است و آشنا بودن فرد با این واژگان از عوامل پیش‌بینی‌کننده موفقیت تحصیلی اوست. از این رو، آگاهی از تعریف گنجینه واژگان آکادمیک و چگونگی آموزش آن اهمیت بسزایی در کارآمدسازی شیوه‌های آموزشی آموزشگران زبان دوم دارد. این نوشتار می‌کوشد که نخست تعریف دقیقی از «گنجینه واژگان آکادمیک» ارائه کند، تفاوت‌های آن را با گنجینه واژگان عمومی برشمارد و به نقش تأثیرگذار گنجینه واژگان آکادمیک در پیشبرد تحصیلات عالی بپردازد. در ادامه نیز پاره‌ای از مهم‌ترین فنونی را که در آموزش گنجینه واژگان آکادمیک به زبان‌آموزان متوسط و فوق متوسط به کار گرفته می‌شوند معرفی می‌کند. اکثر فنونی که این مقاله به آن‌ها می‌پردازد در پی آن‌اند که قابلیت‌های شناختی زبان‌آموزان را در فرایند یادگیری گنجینه واژگان آکادمیک فعال سازند. همچنین مقاله به این موضوع می‌پردازد که چرا باید از فناوری همچون مؤلفه‌ای اصلی در آموزش گنجینه واژگان آکادمیک استفاده کرد و برخی از ابزارهای برخطی را که زبان‌آموزان می‌توانند از آن‌ها، در راستای ارتقای سطح دانش خود از واژگان آکادمیک بهره ببرند معرفی می‌کند. در پایان، از چهار فهرست مهم حاوی واژگان آکادمیک و چگونگی تدوین آن‌ها سخن خواهد رفت به این امید که زبان‌پژوهان و آموزشگران ایرانی نیز بر آن شوند تا به تدوین چنین فهرست‌هایی برای دانشجویان و دانش‌آموزان همت گمارند.

**کلیدواژه‌ها:** گنجینه واژگان آکادمیک، زبان دوم، فنون آموزش واژگان، فناوری، فهرست واژگان



(work package)، یا کلماتی‌اند که در جای دیگری به کار نمی‌روند (مانند propylene glycol). واژگان تخصصی فقط در گونه‌های سخن تخصصی ظاهر می‌شوند و در مجموع، کاربرد نادری دارند. معانی‌شان اختصاصی است و به روشنی تعریف می‌شود. این واژگان را به وصف «خنثی» می‌خوانند (سینکالر ۲۰۰۴، فیلیپ ۲۰۱۱، نقل‌شده در هالبه ۶۳): اگر اصلاً تداعی معنا نکنند، این تداعی‌ها همگی ناظر به معانی تخصصی و فنی دیگرند.

قابلیت معنایی	گستره	فراوانی	گنجینه واژگان
خنثی	فراگیر	بسیار فراوان	هسته‌ای عمومی
دارای دلالت ضمنی	شایع	فراوان	هسته‌ای غیر عمومی
دارای هم‌وند معنایی	محدود	وابسته به گونه سخن (زبان)	نیمه تخصصی
خنثی	اختصاصی	نادر	تخصصی

### چکیده‌ای از ویژگی‌های چهار دسته از گنجینه واژگان (هالبه، ۲۰۱۳، ص. ۶۳)

#### گنجینه واژگان آکادمیک: تعریف و دسته‌بندی

آنچه در تعریف و دسته‌بندی «گنجینه واژگان» گذشت چه بسا خواننده را به فکر بیندازد که در این میان، جایگاه «گنجینه واژگان آکادمیک» کجاست. از این رو، شاید بهتر باشد که نخست درباره تمایز میان «گنجینه واژگان آکادمیک عمومی»<sup>۲۲</sup> و «گنجینه واژگان ویژه حوزه خاص»<sup>۲۳</sup> سخن گفته شود: واژگان آکادمیک عمومی واژه‌ها یا اصطلاحاتی‌اند که در زبان روزمره به کار نمی‌روند، ولی، به احتمال زیاد، دانش‌آموزان و دانشجویان، هنگام مطالعه متون یا در جلسات درسی، با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند (کاکس هد<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۰). این‌ها واژگانی‌اند که دانش‌آموزان در سیاق‌های علمی مختلف، به‌ویژه در علوم و ریاضیات، همچنین در ادبیات، آن‌ها را می‌یابند، مانند force (به معنای «نیرو»، نه معنای عمومی «جبر و زور») یا blade (به معنای «تیغه» و «پره» و، در متون ادبی، «تیغ یا شمشیر»). در مقابل، گنجینه واژگان ویژه حوزه خاص در سیاق‌های به‌مراتب محدودتری به کار می‌روند. همچنین احتمال زیادتری می‌رود که دانشجویان و دانش‌آموزان در متون یا منابع درسی تخصصی با آن‌ها روبه‌رو شوند؛ مانند wedge (به معنای «گوه») و trope (به معنای «مجاز») (بلاکوویچ، فیشر، اگل و واتس تاف<sup>۲۵</sup>، ص ۴). اما برای تمایز دقیق‌تر میان این دو دسته از واژگان آکادمیک، ناگزیر باید در اینجا به مفهوم «سطوح گنجینه واژگان»<sup>۲۶</sup> اشاره کرد که از سوی ایزابل پک و همکارانش (پک، مک کیون و کیوکن، ۲۰۱۳) پیشنهاد شده است.

\* گنجینه واژگان غیرهسته‌ای عمومی<sup>۱۳</sup>، که مفاهیم اختصاصی‌تر را در برمی‌گیرد. این واژگان دلالت‌های ضمنی دارند، مانند puppy یا spaniel و dine یا abode. هنگامی که از کسی خواسته شود residence یا abode. هنگامی که از کسی خواسته شود معنای واژگان غیرهسته‌ای عمومی را بیان کند او می‌تواند آن‌ها را با واژگان هسته‌ای عمومی توضیح دهد؛ مثلاً در توضیح واژه dine از واژه eat استفاده می‌کند. واژگان غیرهسته‌ای عمومی همایندهای<sup>۱۴</sup> کمتری دارند، در واحدهای کلامی بزرگ‌تر مانند ترکیب‌ها یا زبانزدها<sup>۱۵</sup> کمتر به کار می‌روند و معمولاً مصداق یا نمونه‌ای خاص از مفهوم کلی‌تری هستند که با گنجینه واژگان هسته‌ای بیان می‌شوند (مثلاً puppy نمونه خاصی از dog است). واژگان غیرهسته‌ای عمومی از واژگان هسته‌ای عمومی کاربرد کمتری دارند. و معمولاً

دلالت‌های ضمنی دارند (ق.س). واژگان غیرهسته‌ای عمومی gaze, stare در برابر واژه هسته‌ای عمومی watch). \* گنجینه واژگان نیمه‌تخصصی<sup>۱۶</sup>، یا اصطلاحات شبه‌فنی، این‌ها، واژگانی‌اند که به‌طور گسترده به کار می‌روند و فهمیده می‌شوند ولی از زمینه خاصی از سخن منشأ گرفته‌اند که در آنجا کاربرد بس بیشتری دارند؛ مثلاً واژه shares (سهام) از بازار سرمایه یا hard drive از جهان کامپیوتر یا meeting (جلسه) از گفتمان حرفه‌ای نشئت گرفته‌اند. از آنجا که واژگان نیمه‌تخصصی عمدتاً در برخی از انواع سخن ظاهر می‌شوند، از واژگان هسته‌ای عمومی و واژگان غیرهسته‌ای عمومی فراوانی کمتری در کل پیکروواژه<sup>۱۷</sup> زبان دارند و ضمناً مفهوم و همایندهایشان محدود به همان گونه سخنی است که در آن به کار می‌روند. واژگان نیمه‌تخصصی هموندهای معنایی<sup>۱۸</sup> دارند (یعنی واژگانی هستند به‌ظاهر خنثی که به دلیل وجود کاربردشان در پاره‌ای از همایندها یا قرارگرفتن در سیاق‌های<sup>۱۹</sup> خاص ممکن است دارای تداعی معانی، مثبت یا منفی، شده باشند)، ولی دلالت ضمنی آگاهانه مستقل از سیاق ندارند.

\* گنجینه واژگان تخصصی یا اصطلاحات فنی؛ این واژگان تنها در پاره‌ای از موقعیت‌های تخصصی به کار می‌روند و فهمیده می‌شوند. این واژگان یا در اصل، کلمات انگلیسی عمومی‌ای بوده‌اند که در مفهومی تخصصی به کار رفته‌اند (مانند grid در الکترونیک) و ممکن است کلماتی مرکب نیز باشند (مانند

## واژگان سطح یک

واژگان سطح یک واژگان روزمره‌ای هستند که بیشتر بزرگسالان با آن‌ها آشنایی دارند و پیوسته به کار می‌برند و البته در کلام کودکان نیز رفته‌رفته ظاهر می‌شوند. این‌ها واژگان سودمندی‌اند، ولی فهم معانی آن‌ها دشوار یا پیچیده نیست. زبان‌آموزان انگلیسی غالباً در گنجینه واژگان سطح یک مهارت پیدا می‌کنند و قابلیت شفاهی‌شان در مفاهمه با استفاده این واژگان بسیاری از آموزشگران زبان را از نیاز به تمرکز بیشتر بر گنجینه واژگان آکادمیک غافل می‌سازد.

## واژگان سطح دو

واژگان سطح دو بیشتر شامل اصطلاحاتی است که در دوران تحصیل در مدرسه و دانشگاه در موضوعات گوناگون به کار می‌روند و معانی‌شان، بسته به سیاقی که در آن قرار گیرند، متفاوت است، مثلاً واژه operation بسته به آنکه در ریاضیات، پزشکی یا بازرگانی به کار رود، به ترتیب، به معنای عمل (یکی از چهار عمل اصلی: جمع، تفریق، ضرب و تقسیم)، عمل جراحی، یا شرکت است. عموماً از واژگان سطح دو در انگلیسی محاوره‌ای چندان استفاده نمی‌شود. ممکن است مفاهیم تجربی‌تری که فهم‌شان برای زبان‌آموزان آسان نباشد داشته باشند. بنابراین، آموزش این واژگان به آنان بسیار سودمند است چه آشنایی با این واژگان آنان را در رمزگشایی معنای آن‌ها در سیاق‌های مختلف یاری خواهد کرد. «گنجینه واژگان آکادمیک عمومی» به واژگان سطح دو تعلق دارند.

**بسیاری از زبان‌آموزانی که انگلیسی را به عنوان زبان دوم فرا می‌گیرند می‌توانند مهارت‌های محاوره‌ای قابل قبولی در استفاده از واژگان عمومی پیدا کنند، ولی مهارتی که ممکن است بهره چندان از آن نداشته باشند مهارت در فهم مؤثر و استفاده کارآمد از گنجینه واژگان آکادمیک است که در محیط‌های آموزشی و در ارتباطات حرفه‌ای و شغلی سخت مورد نیاز است**

## واژگان سطح سه

واژگان سطح سه، در قیاس با واژگان سطح دو، تخصصی‌تر و محدود به قلمرو موضوعات دانشگاهی‌اند. این واژگان بر

مفاهیمی کلیدی در موضوعات دانشگاهی دلالت دارند. به چنین اصطلاحاتی غالباً در منابع درسی مورد استفاده دانشجویان می‌توان برخورد. استادان نیز برای انتقال مفاهیم درسی ناگزیر به معرفی این واژگان به دانشجویانشان می‌شوند. «گنجینه واژگان ویژه حوزه خاص» یا «گنجینه واژگان فنی» به واژگان سطح سه تعلق دارند.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که گنجینه واژگان آکادمیک دارای دو سطح ۲ و ۳ از واژگان است، یکی گنجینه واژگان آکادمیک عمومی و دیگری گنجینه واژگان ویژه حوزه خاص (یا گنجینه واژگان فنی). آموزشگران زبان، با استفاده از این سه سطح واژگان، می‌توانند درباره آنکه چه واژگانی را باید به زبان‌آموزان‌شان آموزش دهند تصمیم بگیرند. واژگان سطح یک معمولاً (هرچند نه همواره) از طریق محاوره با دیگران فراگرفته می‌شوند و چندان نیازمند آموزش مستقیم نیستند.

واژگان سطح دو که همان واژگان آکادمیک عمومی‌اند ممکن است از چشم معلمان پنهان بمانند؛ چه معلمان گمان می‌کنند چون این واژگان در سیاق‌ها و موضوعات مختلف (چون مطبوعات و کتاب‌های غیر تخصصی) نیز به کار می‌روند، پس دانش‌آموزان و دانشجویان باید از پیش با آن‌ها آشنا شده باشند که البته همیشه چنین نیست. از این رو، این دسته از واژگان نیازمند توجه خاص آموزشگران زبان‌اند.

## روش‌های آموزش گنجینه واژگان آکادمیک

ویلگا ریورز<sup>۲۷</sup>، از کارشناسان برجسته آموزش زبان در کتابش «مفاهمه به زبان دوم به روش طبیعی» می‌نویسد:

گنجینه واژگان را نمی‌توان تعلیم داد؛ بلکه می‌توان آن را عرضه کرد، توضیح داد و در فعالیت‌های آموزشی مختلف گنجاند،... ولی در نهایت، این زبان‌آموز است که باید آن را فراگیرد. ما، در مقام آموزشگران زبان، باید علاقه به واژگان را برانگیزیم... می‌توانیم با ارائه راهکارهایی درباره روش‌های یادگیری به زبان‌آموزان مان کمک کنیم، ولی سرانجام هر یک از آنان یک مجموعه انتخابی بس شخصی از این واژگان را که به شیوه‌ای شخصی با یک‌دیگر پیوند منظمی یافته‌اند فراخواهد گرفت. (نقل شده در ثورنبری<sup>۲۸</sup>، ۲۰۰۲، ص ۱۴۴)

هرچند، به گفته ریورز، هر زبان‌آموز، در نهایت، به شیوه‌ای شخصی و کمابیش منحصر به فرد به فراگیری گنجینه واژگان می‌پردازد، اما این به آن معنا نیست که معلم موجودی زائد یا اضافی است. کار معلم، بیش از همه، آن است که انواع روش‌های مؤثر یادگیری گنجینه واژگان را به زبان‌آموز انتقال دهد تا او بتواند از میان آن‌ها روش یا روش‌هایی را که کارایی



بهتری برایش دارد برگزیند. پاره‌ای از این روش‌ها شیوه‌هایی عمومی‌اند، و در مورد گنجینه واژگان عمومی و هم گنجینه واژگان آکادمیک کارایی دارند، ولی برخی از روش‌ها به‌ویژه در فراگیری گنجینه واژگان آکادمیک مؤثرند. از این رو، در ادامه، نخست به برخی از روش‌های عمومی و سپس به شماری از روش‌های خاص فراگیری گنجینه واژگان آکادمیک اشاره می‌کنیم:

\* فنون یادیار<sup>۲۹</sup>: روش‌های یادآوری واژه‌ها بر روی هم فنون یادیار خوانده می‌شوند. یکی از فنون کارآمد یادیار «فن کلیدواژه»<sup>۳۰</sup> است. این روش مستلزم ایجاد تصویری است که تلفظ واژه‌ای از زبان دوم را به معنای واژه‌ای در زبان اول مربوط کند. مثلاً می‌توان تلفظ واژه cushion (در مفهوم تخصصی‌اش به معنای ضربه‌گیر یا بالش‌تک) را به معنای واژه کمابیش هم‌آوای کوسن (که در اصل، از فرانسه به فارسی راه یافته) با تصویری از چرخ ایستاده‌ای که روی کوسنی قرار گرفته است ربط داد. البته واضح است که برقراری چنین پیوندی میان تلفظ یک واژه از یک زبان و معنای واژه دیگر از زبان دیگر همواره ممکن نیست، یا گاه به صرف اندیشه و وقت زیادی نیاز دارد،

ولی خلاقیت زبان‌آموز همواره می‌تواند راه‌گشا باشد، به‌ویژه که برخی از پژوهش‌ها نشان داده که این روش از هر روش دیگری در فراگیری گنجینه واژگان مؤثرتر است (ثورنبری، ص ۱۴۵). \* واژه‌برگه‌ها<sup>۳۱</sup>: به‌جز فن کلیدواژه، احتمالاً هیچ روشی کارآمدتر از استفاده از واژه‌برگه‌ها نیست (ثورنبری ۱۴۵). در واقع، می‌توان نشان داد که این روش حتی کاربردی‌تر از فن کلیدواژه است، چه شماری از زبان‌آموزان «تصویرسازی» را در فن کلیدواژه فرایند دشواری می‌یابند، ولی همه آنان می‌توانند به‌سادگی از واژه‌برگه‌ها استفاده کنند. شیوه استفاده از واژه‌برگه‌ها به قرار زیر است (ثورنبری، ص ۱۴۶):

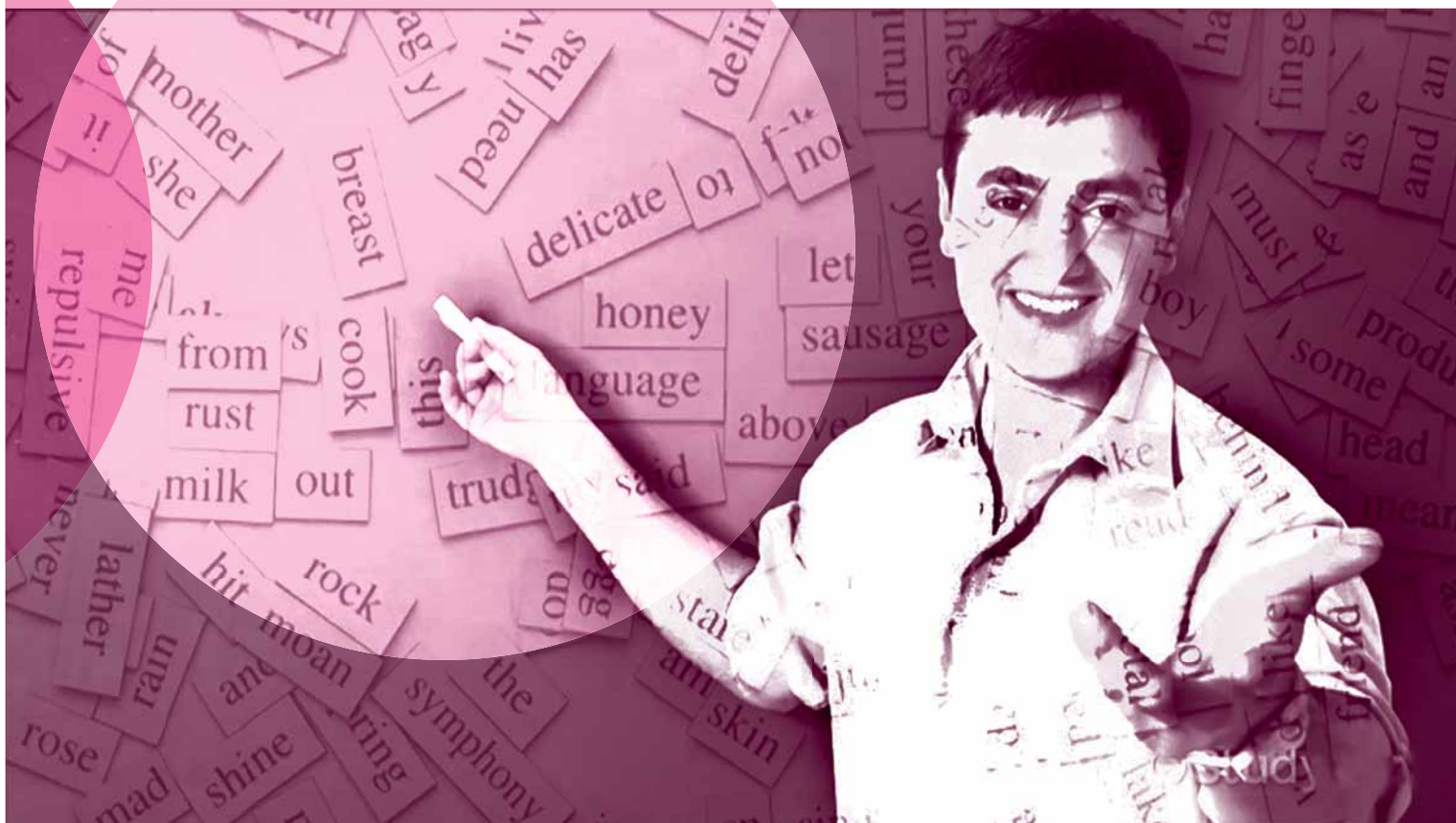
- زبان‌آموز واژه‌ای را که می‌خواهد یاد بگیرد بر یک طرف برگه‌ای کوچک، و برگردان آن را به زبان مادری بر طرف دیگر آن می‌نویسد؛

- بسته به دشواری واژه‌ها، هر مجموعه کامل این برگه‌ها شامل ۲۰ تا ۵۰ واژه است؛

- لازم نیست واژه‌ها

همگی از نوع

واحدی، مثلاً



نآشنا با استفاده از جایگاه آن در جمله یکی از سودمندترین روش‌هایی است که زبان‌آموز می‌تواند آن را در کلاس و بیرون آن به کار ببرد. ویژگی این روش آن است که شیوه‌ای طبیعی است؛ یعنی همه ما احتمالاً به گونه‌ای ناخودآگاه هنگام خواندن متنی یا گوش سپردن به سخنی به زبان مادری‌مان بارها همین کار را کرده‌ایم.

\* نمودارسازی معنایی<sup>۳۲</sup>: در این روش نخست آموزش‌گر نموداری از پیوندهای معنایی میان کلمات را به زبان‌آموز ارائه می‌کند. سپس، زبان‌آموز واژگانی را که به موضوع خاصی مربوطاند فهرست می‌کند و درباره پیوندهای میان آن‌ها می‌اندیشد و اظهار نظر می‌کند، پس از آن واژگان و پیوندهای میان آن‌ها، همراه با واژگان وابسته دیگر، به شیوه‌ای سازمان‌یافته و ترسیمی، که می‌تواند فرایند یادگیری را تسهیل بخشد، نگاشته می‌شود (ن.ک. تصویر شماره ۱). از این نمودار می‌توان در مراحل پیش از خواندن، پس از خواندن و همچون فعالیت پایانی و حتی همچون نمونه خوبی از تکلیف بهره برد.

همه آن‌ها اسم یا صفت یا فعل یا قید باشند، بلکه حتی بهتر است انواع مختلفی از واژه‌ها در هر مجموعه گنجانده شوند؛

– زبان‌آموز به خودآزمایی می‌پردازد: نخست به هر واژه جدید می‌نگرد و دانش خود را از معنای آن با مراجعه به برگردان آن می‌سنجد؛

– سپس این فرایند را به شیوه معکوس انجام می‌دهد: نخست به برگردان هر واژه نگاه می‌کند و واژه اصلی را حدس می‌زند؛

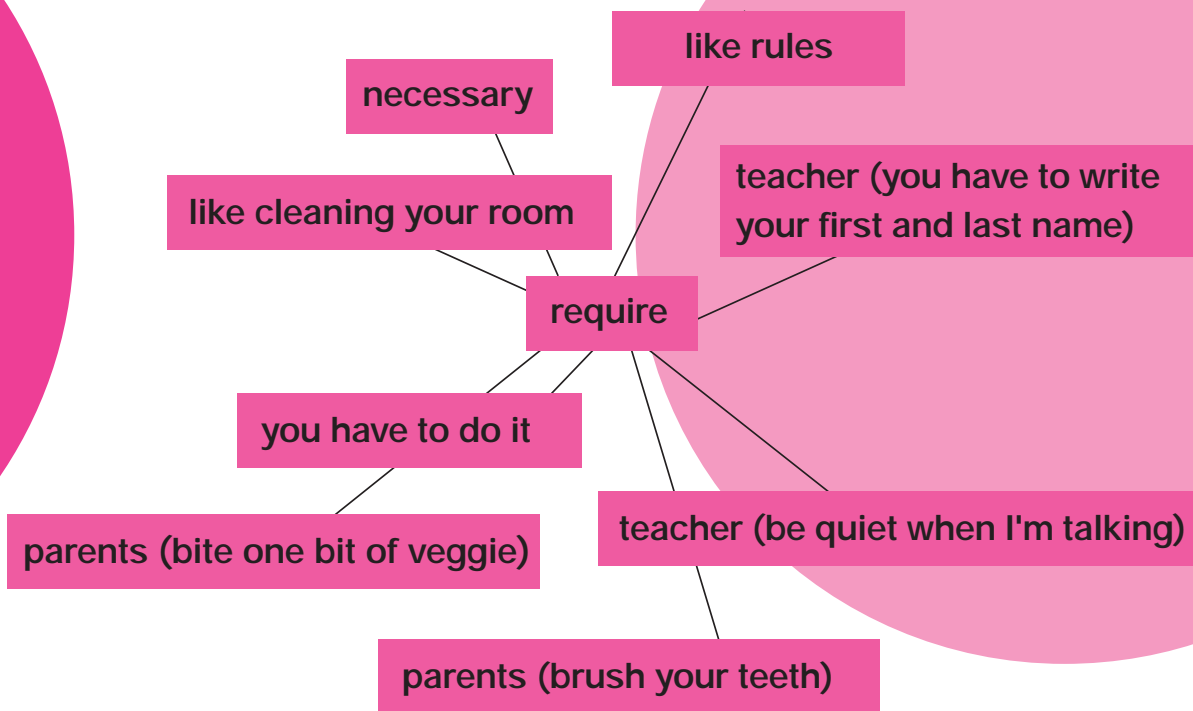
– واژگانی را که یادآوری آن‌ها با مشکل همراه است به روی واژه‌برگه‌ها انتقال می‌دهد. در هر صورت، هر از گاهی باید واژه‌برگه‌ها را بر زد تا از ترتیب واژگان برای یادآوری آن‌ها کمک گرفته نشود؛

– فاصله میان هر بار یادگیری و دوره کردن آنچه یاد گرفته شده است باید، با گذشت زمان، بیشتر شود تا واژه‌ها در حافظه بلندمدت جای گیر شوند.

– واژه‌برگه‌هایی که واژگان‌شان به خوبی فراگرفته شده‌اند باید کنار گذاشته و با واژه‌برگه‌های جدید جایگزین شوند.

\* حدس مفهوم از سیاق: گمانه‌زدن درباره معنای واژه‌ای

نمودار شماره ۱. نمودارسازی معنایی برای واژه require (لازم داشتن، ملزم کردن)

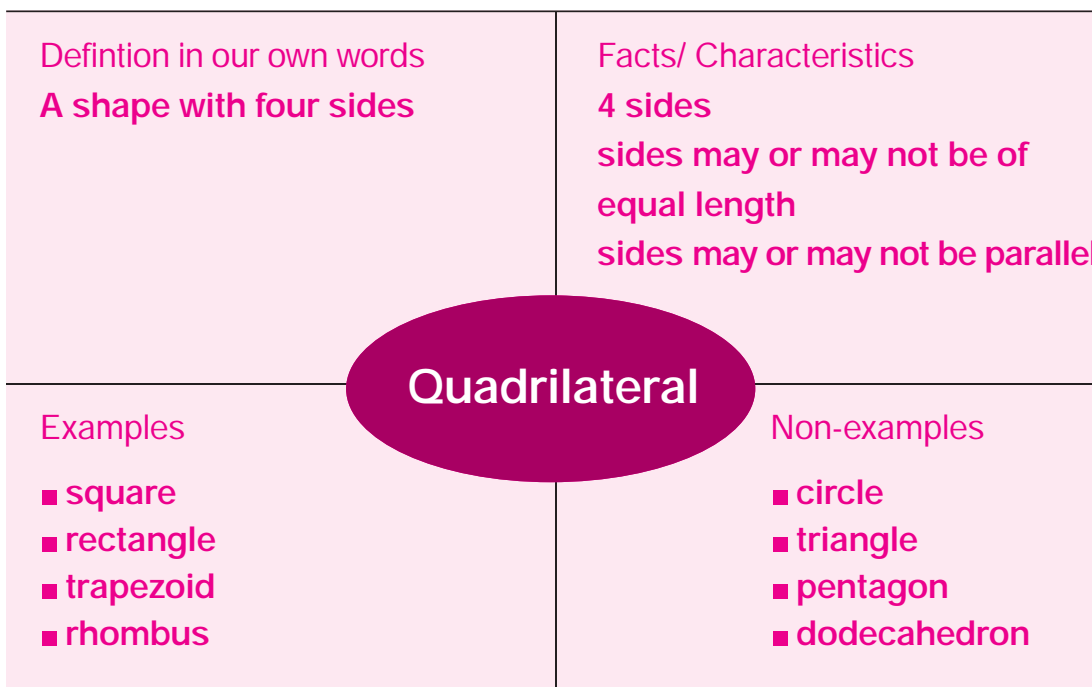


مفاهم‌های زبان<sup>۳۵</sup> استفاده می‌کنند، می‌توان از راه بحث و گفت‌وگو میان اعضای کلاس دربارهٔ موضوع مورد نظر، فن پیش‌درآمد را اجرا کرد؛ آموزشگر، در این میان، نقش هدایتگر بحث را برعهده دارد. آنچه به لحاظ روان‌شناختی در اینجا مهم است آشنایی نیمه‌آگاهانهٔ زبان‌آموز با معانی واژگان ناآشنا به کمک سیاقی است که در آن قرار گرفته‌اند؛ «به واسطهٔ اشتغال به فعالیت‌های کلامی‌ای چون خواندن و شنیدن می‌توان آشنایی نیمه‌آگاهانه با معانی واژگان را پرورش داد» (هی<sup>۳۶</sup>، ۲۰۱۰، ص ۱۷).

\* واژه‌پیمایی<sup>۳۷</sup>: در این شیوه، آموزشگر مجموعه‌ای مرتبط از

\* الگوی فریر<sup>۳۳</sup> روش کارآمدی برای فراگیری گنجینهٔ واژگان با استفاده از مثال‌ها و نامثال‌های یک مفهوم است. در این شیوه، آموزشگر مفهوم واژه را با تعریفی ساده و بیان ویژگی‌های اصلی آن معرفی می‌کند؛ سپس با ذکر مثال‌ها و نامثال‌هایی از آن مفهوم نشان می‌دهد که چگونه مفهوم واژه با مفاهیم برخی دیگر از واژه‌های مرتبط تفاوت یا شباهت دارد و یا چه نسبتی میان آن واژه و واژه‌های مرتبط برقرار است. در پایان، آموزشگر از زبان‌آموزان خواهد خواست تا مثال‌ها و نامثال‌های دیگری را برشمارند. الگوی فریر شیوهٔ مؤثری در برقراری پیوند معنایی میان اطلاعات پیشین و اطلاعات جدید زبان‌آموز است (ن.ک. تصویر شمارهٔ ۲).

تصویر شمارهٔ ۲. الگوی فریر برای واژهٔ quadrilateral (چهارضلعی)



واژگان آکادمیک را که بر روی برگه‌های مجزایی نوشته شده، در اختیار زبان‌آموزان قرار می‌دهد و از آنان می‌خواهد که اقلام مورد نظر را بر اساس ترتیبی خاص (بزرگی ابعاد، رتبه، قدمت، کارایی، یا جز این‌ها) مرتب سازند. زبان‌آموز ناگزیر می‌شود با آگاهی‌های پیشین خود (اطلاعات زمینه‌ای) واژه ناآشنا را در میان واژگان دیگر جای دهد. در نتیجه، هم باید تشخیص دهد که واژه جدید به چه ردهٔ مفهومی تعلق دارد و هم معنای تقریبی آن را دریابد. مثلاً آموزشگر از زبان‌آموزان می‌خواهد

اما روش‌های خاص‌تری نیز هست که خصوصاً در فراگیری گنجینهٔ واژگان آکادمیک مؤثرند. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: \* فن پیش‌درآمد<sup>۳۴</sup>: در این شیوه، آموزشگر، پیش از خواندن عباراتی برای دانش‌آموزان که حاوی پاره‌ای از واژگان آکادمیک است، مقدمهٔ کوتاهی دربارهٔ آنچه بناسست خوانده شود ارائه می‌کند تا زبان‌آموزان با آگاهی از موضوع و از سیاق مورد نظر بتوانند از پیش توانایی تفسیر معانی واژگانی را که بناسست با آن‌ها روبه‌رو شوند پیدا کند. در کلاس‌هایی که از روش آموزش

اقدام زیر را بر اساس بزرگی اندازه مرتب سازند:

Venus, Earth, Saturn, Milky Way, Jupiter, Mars, Mercury, Solar System, Saturn, Uranus, Neptune, Sun, Local Group.

اگر زبان آموز از قبل اندازه‌های نسبی سیارات منظومه شمسی را (از کوچک به بزرگ) کمابیش بداند و از پیش آگاه باشد که منظومه شمسی جزئی از کهکشان راه‌شیری است چنین خواهد کرد:

Mercury, Mars, Venus, Earth, Neptune, Uranus, Saturn, Jupiter, Sun, Solar System, Milky Way.

بدین ترتیب، او به‌درستی حدس خواهد زد که Local Group باید به معنای مجموعه‌ای از کهکشان‌ها، شامل راه‌شیری، باشد.

\* مطالعه متون دانشگاهی و علمی: سراسرترین شیوه مطالعه بی‌گیرانه متون حاوی واژگان آکادمیک، کتاب‌ها و نشریات دانشگاهی و علمی است. تأثیرگذاری این شیوه هنگامی بیشتر می‌شود که زبان آموز به کمک راه‌برد «حدس مفهوم از سیاق» بکوشد تا مفهوم واژگان مورد نظر را با استفاده از سیاق آن‌ها دریابد. بدین ترتیب، او فعالانه مفهوم واژگان را «کشف» می‌کند؛ امری که به جای گیر شدن معانی واژگان در حافظه بلندمدت او خواهد انجامید.

## گنجینه واژگان آکادمیک و فناوری

امروزه، با وجود رایانه‌ها و ابزارهای الکترونیکی در بیشتر کلاس‌های درس، آموزشگران می‌توانند از ابزارهای سودمندی چون منابع برخط بهره ببرند. سلوستر<sup>۳۸</sup> (۲۰۱۲) در این باره می‌نویسد:

فناوری‌های آموزش برخط ابزار مهمی برای ارائه برنامه‌های درسی متنوع و گوناگون به دانش‌آموزان، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات عالی است. نه تنها فناوری‌های برخط جایگزین یا مکملی برای تدریس رودررو است، بلکه همچنین این امکان را هم برای دانشجو و هم برای استاد فراهم کرده که انواع مختلفی از روش‌ها را برای پرداختن به محتوای برنامه درسی برگزینند. (ص ۱)

برخی از شیوه‌های «فراگیری زبان به کمک رایانه» که می‌توان آن‌ها را در فراگیری گنجینه واژگان آکادمیک به کار بست عبارت‌اند از استفاده از واژه‌نامه‌های برخط، فرامتن‌ها،<sup>۳۹</sup>

و ابزارهای برخط گنجینه واژگان.

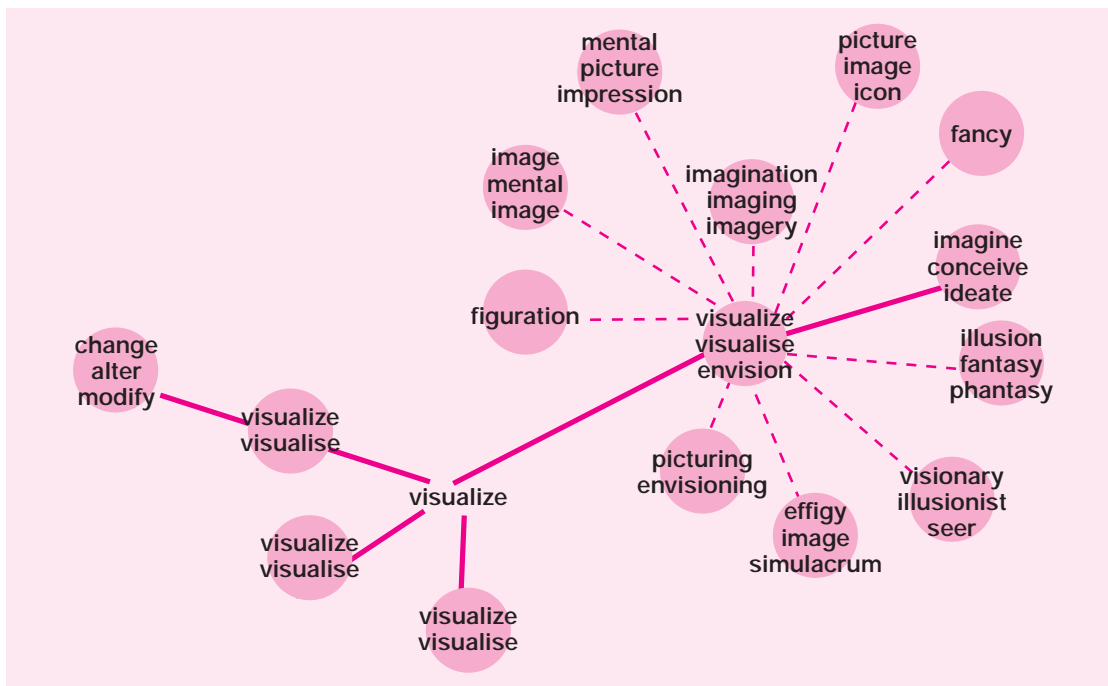
\* واژه‌نامه‌های برخط (مثلاً، dictionary.com, Merriam-Webster Online, AskOxford.com, Alpha Dictionary) دامنه گسترده‌ای از تعاریف، مثال‌ها، تصاویر و جز این‌ها را در حین اجرای تکالیف درسی به زبان آموز ارائه می‌کنند. با واژه‌نامه‌های برخط، زبان آموز در حین مطالعه متن می‌تواند به توضیحات لازم دسترسی پیدا کند، و این امر به فعالیت‌های درسی او سرعت بیشتری می‌بخشد.

\* با استفاده از «فرامتن‌ها»، زبان آموز به لایه‌های مختلفی از معنای یک واژه و پیوندهای معنایی آن با دیگر واژگان مرتبط دست می‌یابد و، گاهی بدون نیاز به مراجعه به واژه‌نامه، می‌تواند معنای واژه مورد نظرش را حدس بزند.

**تمرین فعالانه نیازمند آن است که آموزشگران آگاهانه فرصت‌های مناسب و پربراری را برای دانش‌آموزان فراهم آورند تا آنان واژگان مورد نیاز و مفاهیم و معانی مرتبط را به‌درستی فراگیرند. دانشجوین و دانش‌آموزان به این فرصت‌های آموزشی نیازمندند تا خزانه واژگانی خود را مایه‌ور سازند و ابزارهای راه‌بردی مؤثری به دست آورند تا بتوانند مستقلاً به فراگیری واژگان تازه بپردازند**

\* ابزارهای برخط گنجینه واژگان: برنامه‌های کاربردی سودمندی هستند که برای آموزش گنجینه واژگان، به کمک تمرین‌های گوناگون، طراحی شده‌اند. ابزار سودمندی که در اینجا معرفی می‌شود visuwords است که واژه‌نامه‌ای نموداری برای ارتقای گنجینه واژگان آکادمیک است. هنگامی که واژه‌ای را به کمک این ابزار جست‌وجو کنیم، پیوندهای میان آن واژه با واژگان دیگر را کاویده و نتیجه را به صورت نموداری رنگارنگ نمایش می‌دهد (ن. ک. تصویر شماره ۳). زبان آموز نیز با حرکت دادن شاخص به روی واژه مورد نظر معنای آن را می‌بیند.





### فهرست‌های گنجینه واژگان آکادمیک

در آموزش گنجینه واژگان آکادمیک، آگاهی از رایج‌ترین واژگان آکادمیک امری ضروری است. بدین منظور، فهرست‌هایی از این واژگان آماده شده است که در زیر سه نمونه از مهم‌ترین آن‌ها معرفی می‌گردد:

۱. فهرست واژگان آکادمیک<sup>۴۰</sup> (AWL): کاکس هد (۲۰۰۰) بیش از سه‌ونیم میلیون واژه آکادمیک را در پیکرواژه نوشتاری<sup>۴۱</sup> دانشگاهی و علمی به انگلیسی در ۲۸ موضوع از چهار شاخه (هنرها، تجارت، قانون و علم) بررسی کرده و از میانشان، ۵۷۰ خانواده واژگانی، در مجموع حدود ۳۰۰۰ واژه آکادمیک را شناسایی نموده است. این فهرست را در نشانی زیر می‌توان یافت:

<http://www.victoria.ac.nz/lals/resources/academicwordlist/>

۲. فهرست کلیدواژه‌های آکادمیک<sup>۴۲</sup> (AKL): این فهرست به همت پاکو<sup>۴۳</sup> در مرکز زبان‌شناسی پیکرواژه‌های انگلیسی<sup>۴۴</sup> در دانشگاه کاتولیکی لوون در بلژیک تدوین شده و حاوی ۹۳۰ واژه و عبارت آکادمیک است. پاکو درباره این فهرست می‌نویسد: آن‌ها در دامنه وسیعی از متون علمی رواج دارند، ولی در متون دیگر کمابیش نامتداول اند، و نیز به فعالیت‌هایی مربوطاند که از مشخصات کار آکادمیک شمرده می‌شوند یا در گفتمان علمی به کار می‌روند یا در عبارت‌پردازی‌های متون آکادمیک کاربرد دارند؛ از این رو، به آن‌ها عنوان واژگان آکادمیک داده شده

است. (ص ۲۹)

فرق «فهرست کلیدواژه‌های آکادمیک» با «فهرست واژگان آکادمیک» در این است که «فهرست کلیدواژه‌های آکادمیک» واژگان پربسامدی را که در نثر علمی بسیار به کار می‌روند (چون، aim, argue, because, compare, explain, result, namely) نیز دربردارد. این فهرست را در نشانی زیر می‌توان یافت:

<https://www.uclouvain.be/en-372126.html>

۳. فهرست گنجینه واژگان آکادمیک (AVL) (گاردنر و دیویس، ۲۰۱۳): این فهرست از میان زیرمجموعه پیکرواژه آکادمیک ۱۲۰ میلیون کلمه‌ای پیکرواژه ۴۲۵ میلیون کلمه‌ای انگلیسی امریکایی معاصر (COCA، دیویس ۲۰۱۲) استخراج شده است و ۱۴ درصد از واژگان آکادمیک را هم در پیکرواژه انگلیسی امریکایی معاصر (COCA) (بیش از ۱۲۰ میلیون واژه) و هم در پیکرواژه ملی بریتانیایی (بیش از ۳۳ میلیون واژه) دربرمی‌گیرد. این فهرست را می‌توان در نشانی زیر یافت:

<http://www.academicwords.info/>

### سخن پایانی

بسیاری از زبان‌آموزانی که انگلیسی را به‌عنوان زبان دوم فرا می‌گیرند می‌توانند مهارت‌های محاوره‌ای قابل قبولی در استفاده از واژگان عمومی پیدا کنند، ولی مهارتی که ممکن

19. contexts
20. Sinclair
21. Philip
22. general academic vocabulary
23. domain-specific vocabulary
24. Coxhead
25. Blachowicz, Fisher, Ogle, & Watts Taffe
26. vocabulary tiers
27. Wilga Rivers
28. Thornbury
29. mnemonics
30. keyword technique
31. word cards
32. semantic mapping
33. Frayer Model
34. Lead-in
35. Communicative Language Teaching (CLT)
36. He
37. Word Scaling
38. Selvester
39. hypertexts
40. Academic Word List
41. written corpus
42. Academic KeyWord List
43. Magali Paquot
44. Centre for English Corpus Linguistics
45. Academic Vocabulary list

#### منابع

- Beck, I. L., McKeown, M. G. & Kucan, L. (2013). *Bringing words to life: Robust vocabulary instruction*. New York and London: The Guilford Press.
- Blachowicz, C., Fisher, P., Ogle, D., & Watts Taffe, S. (2013). *Teaching Academic Vocabulary K-8 Effective Practices across the Curriculum*. New York and London: The Guilford Press.
- Coxhead, A. (2000). The new academic word list. *TESOL Quarterly*, 34, 213-238.
- Flexner, S. B. 2003 (Ed.). *Random House Webster's Unabridged Dictionary*. New York: Random House.
- Halbe, D. (2013). *English in Business Meeting*. Dissertation zur Erlangung des Doktorgrades an der Universität Trier, 2013.
- Harmon, J. M., Hedrick, W. B., & Wood, K. D. (2005). Research on vocabulary instruction in the content areas: Implications for struggling readers. *Reading and Writing Quarterly*, 21, 261-280.
- He, Y. (2010). A study of L2 vocabulary learning strategies. Retrieved from <http://www.diva-portal.org/smash/get/diva2:326994/fulltext01.pdf>
- Marzano, R. J. & Pickering, D. J. (2006). *Building Academic Vocabulary: Teacher's Manual*. Association for Supervision & Curriculum Development.
- Nagy, W., & Townsend, D. (2012). Words as Tools: Learning Academic Vocabulary as Language Acquisition. *Reading Research Quarterly*, 47(1), 91-108
- Nation, I.S.P. (2001). *Learning vocabulary in another Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- National Reading Panel. (2000). *Report of the National Reading Panel: Teaching children to read*. Washington, D.C.: National Institute of Child Health and Human Development.
- Schmitt, N. (2010). *Researching vocabulary: A vocabulary research manual*. University of Nottingham, UK.
- Selvester, P.M. (2012). Immersive learning in preservice teacher education: Using virtual worlds. *The International HETL Review*, 2, 54-75.
- Thornbury, S. (2002). *How to Teach Vocabulary*. Harlow: Pearson, Longman.
- Wessels, S. (2011). Promoting vocabulary learning for English learners. *Reading Teacher* 65(1), 46-50.

است بهره چندانی از آن نداشته باشند مهارت در فهم مؤثر و استفاده کارآمد از گنجینه واژگان آکادمیک است که در محیط‌های آموزشی و در ارتباطات حرفه‌ای و شغلی سخت مورد نیاز است.

تمرین و ممارست فعالانه در فراگیری گنجینه واژگان آکادمیک دانشجویان و دانش‌آموزان را یاری می‌کند تا در استفاده از زبان آکادمیک و علمی رشته‌های مرتبط به شیوه‌ای کارآمدتر عمل کنند. تمرین فعالانه نیازمند آن است که آموزشگران آگاهانه فرصت‌های مناسب و پرباری را برای دانش‌آموزان فراهم آورند تا آنان واژگان مورد نیاز و مفاهیم و معانی مرتبط را به‌درستی فراگیرند. دانشجویان و دانش‌آموزان به این فرصت‌های آموزشی نیازمندند تا خزانه واژگانی خود را مایه‌ور سازند و ابزارهای راهبردی مؤثری به دست آورند تا بتوانند مستقلاً به فراگیری واژگان تازه بپردازند.

مؤثرترین راهبردها در آموزش گنجینه واژگان آکادمیک شامل عرضه چندباره واژگان تازه در زمینه‌ها (سیاق‌ها)ی مختلف است. این نوع از آموزش به فهم عمیق مفاهیم واژگان می‌انجامد. با توجه به اهمیت گنجینه واژگان در فهم مطالب درسی و نیز در موفقیت تحصیلی، مجهز ساختن همهٔ معلمان و آموزشگران به راهبردهای کارآمد آموزش گنجینه واژگان می‌تواند، به طور بالقوه، تأثیر سترگی در توفیقات دانشجویان و دانش‌آموزان داشته باشد. آموزشگران همچنین باید از طریق درگیر ساختن دانشجویان و دانش‌آموزان در بحث و گفت‌وگو و فراهم ساختن فرصت‌های خواندن و نوشتن متون مختلف، آن‌ها را در فراگیری گنجینه واژگان آکادمیک کمک کنند. و بالاخره ابزارهای برخط و برنامه‌های کاربردی‌ای که در تلفن‌های هوشمند و تبلت‌ها در دسترس‌اند نیز می‌توانند ابزارهای کارآمدی برای ارتقای سطح گنجینه واژگان در میان جوانان و بزرگسالان باشند. مهم آن است که آموزشگران زبان خود از توان فناورانه در آموزش گنجینه واژگان آگاه باشند تا بتوانند زبان‌آموزان‌شان را نیز با چنین امکاناتی آشنا سازند.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Nation
2. Schmitt
3. Wessels
4. Harmon, Hedrick, & Wood
5. Nagy & Townsend
6. Marzano & Pickering
7. Flexner
8. Halbe
9. general core vocabulary
10. speech events
11. register
12. culture-specific
13. general non-core vocabulary
14. collocations
15. idioms
16. semi-specialized vocabulary
17. corpus
18. semantic prosodies